

بررسی سبک زندگی اسلامی در برنامه‌درسی دوره‌ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش

■ حسن مظاهری* ■ نعمت‌الله موسی‌پور** ■ فائزه ناطقی*** ■ محمد سیفی****

چکیده:

هدف این پژوهش، بررسی میزان توجه به سبک زندگی اسلامی در برنامه‌درسی دوره‌ابتدایی، مورد نظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش، بوده است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و از نوع تحلیل محتوا بود. ابتدا مؤلفه‌های ده‌گانه سبک زندگی اسلامی شامل مهارت‌های اجتماعی، اعمال عبادی، باورهای اعتقادی، ارزش‌های اخلاقی، مهارت‌های مالی، وظایف خانوادگی، مهارت‌های حفظ سلامت، دانش و مهارت‌های تفکر، دانش و مهارت‌های دفاعی امنیتی و زمان‌شناسی شناسایی شد و به تأیید رسید. سپس گزاره‌های مرتبط با این مؤلفه‌ها از اسناد تحولی شناسایی و استخراج و با اعمال ضرایب در نظر گرفته شده، داده‌های حاصل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که اسناد تحولی به‌طور کلی به اکثر مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در برنامه‌درسی دوره‌ابتدایی توجه کرده و مؤلفه‌های مذکور پوشش‌دهی مناسبی داشته‌اند. در این میان، بیشترین پوشش‌دهی به ترتیب به مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی، اعمال عبادی و ارزش‌های اخلاقی و کمترین پوشش به مؤلفه‌های مالی، مهارت‌های دفاعی-امنیتی و زمان‌شناسی اختصاص داده شده است.

سبک زندگی اسلامی، برنامه‌درسی دوره‌ابتدایی، اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش

کلید واژه‌ها:

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۳/۳۰ □ تاریخ شروع بررسی: ۹۴/۷/۵ □ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۲/۱۸

* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک
** استاد راهنما و نویسنده مسئول، دانشیار دانشگاه فرهنگیان
*** استاد مشاور و عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک
**** استاد مشاور و عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

■ مقدمه

انسان‌ها برای داشتن زندگی بهتر تمایل به با هم بودن و در اجتماع بودن دارند؛ چراکه بسیاری از امور زندگی آدمی در قالب زندگی اجتماعی پیش می‌رود. انسان ذاتاً اجتماعی آفریده شده است. علامه طباطبایی معتقد است: «زندگی اجتماعی برای انسان نه تنها ذاتی است، بلکه یک ضرورت اجتماعی است». وی معتقد است که منظور از آیه «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان کریمکم عندالله اتقیکم^۱» آن است که «... شما انسان‌ها یکدیگر را بشناسید و امور اجتماعات و مواصلات و معاملاتتان را بهتر انجام دهید» (طباطبایی، ۱۳۸۲). از طرفی زندگی انسان‌ها، از همان آغاز، به موازات گسترش اجتماعات و با پیچیده‌تر شدن روابط و تعاملات اجتماعی، به تدریج وارد عرصه‌ها و روابط گوناگون جدیدی شد که نیازمند قوانین و سازوکارهای خاصی گردید (نبوی، ۱۳۸۷). «سبک زندگی^۲» دستاوردی است که در این عرصه برای دستیابی به زندگی سالم در سطح فردی و اجتماعی کمک شایانی به افراد می‌نماید.

■ بیان مسئله

سبک زندگی، برای زندگی مطلوب، نیازمند آموزش است. بنابراین ضروری است نظام‌های آموزشی این مسئله اساسی را در رأس برنامه‌های خود قرار دهند. اسماعیلی (۱۳۹۰) با بررسی نظام‌های آموزشی در چند کشور دریافت که آموزش مهارت‌های زندگی برای تربیت شهروندانی مطلوب در برنامه‌های درسی اکثر کشورها وجود دارد. در کشور ایران نیز، اگرچه با توجه به مبانی دینی و فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی این موضوع مورد تأکید سیاست‌گذاران و اندیشمندان بوده است، اما تاکنون در عرصه عمل آن‌طور که شایسته است مورد توجه واقع نشده است. آن‌گونه که نتایج گزارش‌ها و آمارهای رسمی و غیررسمی نشان می‌دهد که ایران در ابعاد مختلف آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با آسیب‌ها و تهدیدهای مختلفی مواجه است. از جمله می‌توان به گزارش سازمان بهزیستی کشور طی سال‌های اخیر اشاره نمود که در آن آمده است: به‌طور متوسط در هر سال شاهد رشد ۱۵ درصدی آسیب‌های اجتماعی از قبیل قانون‌شکنی، بحران هویت، افزایش جرائم جنسی، آمار بالای سقط جنین، خشونت و پرخاشگری، تحدید نسل، فرار دختران از خانه، شکاف طبقاتی، رشوه و ارتشا، دزدی و سرقت، طلاق، اعتیاد، از خودبیگانگی و سرگشتگی فرهنگی، سوءاستفاده از فناوری، عدم وجدان اخلاقی و تعهد کاری، مهاجرت روستا به شهر و حاشیه‌نشینی هستیم (ردادی، ۱۳۸۷). بنابراین نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در افراد جامعه خصوصاً کودکان و نوجوانان برای پیشگیری از گرایش آن‌ها به سمت این‌گونه آسیب‌ها بسیار ضروری است و تلاش و مشارکت دوسویه افراد، خانواده‌ها، رسانه‌ها، نهادهای مذهبی و اجتماعی و دولتی به‌ویژه نظام آموزشی را طلب می‌کند. یکی از رسالت‌های اصلی نهاد تعلیم و تربیت و دیگر نهادهای مرتبط تربیتی آن است که این‌گونه ارزش‌ها و

آموزه‌ها را در دانش‌آموزان نهادینه سازند. حاجیانی (۱۳۸۷) در این زمینه بیان می‌کند: آموزش و پرورش موظف است از طریق ارائه الگوهای رفتاری صحیح در محتوای تربیتی کتاب‌های درسی، دانش‌آموزان را در مدارس با سبک زندگی آشنا سازد و آن‌ها را برای رعایت اصول و قوانین جامعه، که بر اساس فلسفه دینی شکل گرفته‌اند، آماده نماید. بنابراین نظام تربیتی در نهادینه‌سازی سبک زندگی سالم برای شهروندان و پایه‌ریزی آن در هر جامعه بر اساس نگرش نظام تربیتی جامعه نقش کلیدی دارد. به تعبیر شایسته‌تر نهاد تعلیم و تربیت به خاطر کارکردهای گوناگون خود، از جمله کارکرد «جامعه‌پذیری» یا «تربیت مدنی» در نهادینه‌سازی سبک زندگی تأثیر قابل توجهی دارد. چراکه این کارکرد بدون تردید عامل تداوم و استمرار حیات جامعه است و منجر به انتقال ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، افکار و آداب و رسوم، مهارت‌ها و رفتارها به نسل جدید خواهد شد (مرزوقی، ۱۳۸۵).

در ایران، اندیشمندان تعلیم و تربیت، به دلیل مشکلات عدیده‌ای که در این حوزه وجود داشت، از سال‌ها قبل مصمم به ایجاد تغییر و تحول بنیادین در نظام تربیتی جمهوری اسلامی ایران بودند و تغییراتی جزئی نیز در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی در این حوزه ایجاد کردند؛ اما اوج این تحول با تصویب اسناد تحولی و ابلاغ آن‌ها به وزارت آموزش و پرورش برای اجرا از سال ۱۳۹۰ صورت پذیرفت.

این اسناد که شامل سند تحول بنیادین، سند برنامه درسی ملی و سند مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است، در سال ۱۳۹۰ از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد و به وزارت آموزش و پرورش جهت اجرا و پیاده‌سازی ابلاغ گردید. تعریفی که از تربیت در این اسناد ارائه شده عبارت است از: «فرایندی تعاملی و زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریان، به‌صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به‌منظور هدایت انسان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتبی از حیات طیبه در همه ابعاد». روشن است که این فرایند باید به‌صورت تعاملی و مستمر بین مربیان و متریان صورت گیرد و در خلأ صورت نمی‌پذیرد. در واقع تحقق شایسته آن مستلزم مشارکت فعال تمامی عوامل اجتماعی سهیم و مؤثر در تربیت است، به‌ویژه پشتیبانی مؤثر عناصر اصلی اجتماع و ارکان این فرایند (خانواده، دولت، رسانه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی) بسیار مهم است. برای درک عمیق‌تر این تعریف نو از تعلیم و تربیت، باید گفت که در این تعریف، ضمن توجه به نقش فرد، اساساً تربیت، عمل اجتماعی هدفمندی تلقی می‌شود که در آن، زمینه‌سازی برای هدایت همه افراد جامعه از طریق برقراری رابطه تعاملی بین مربیان و متریان و در راستای تحقق شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن توسط نظام اجتماعی صورت می‌پذیرد و بدین لحاظ بر جنبه اجتماعی فرایند تربیت تأکید فراوان شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). بنابراین، انتظار می‌رود نظام تربیتی ما در راستای هدف تعریف‌شده، زمینه‌دستیابی متریان به مراتبی از حیات طیبه را فراهم کند. آموزش سبک زندگی اسلامی می‌تواند بخشی از این فرایند محسوب شود. لذا این

مطالعه با هدف بررسی اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران از منظر توجه به سبک زندگی اسلامی انجام شده است. از آنجاکه برنامه درسی در نظام آموزشی به‌عنوان مؤلفه محوری فرایند یاددهی-یادگیری است، در نظر است این هدف محدود به برنامه درسی و آن هم در دوره ابتدایی، به‌عنوان دوره اساسی و پایه‌ای در تحصیلات دوازده سال رسمی و عمومی شود و عملیاتی گردد. بنابراین سؤال اصلی این تحقیق آن است که: سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی مورد نظر اسناد تحولی تا چه میزان مورد توجه بوده است؟

برای پاسخ‌دهی به این سؤال لازم است معیارهایی برای سبک زندگی اسلامی جهت سنجش اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش در نظر گرفته شود. یکی از راه‌هایی که می‌توان به درک بهتری از مفهوم «سبک زندگی اسلامی» از نظر اندیشمندان مختلف دست یافت، بررسی عناصر و مؤلفه‌هایی است که صاحب‌نظران برای سبک زندگی بر شمرده‌اند، یا در تحقیقات خود به‌عنوان شاخص از آن‌ها بهره برده‌اند.

در این بررسی، که از طریق واکاوی و بررسی اسناد مورد نظر صورت گرفته است، لازم بود تنها معیارهایی برای بررسی و واکاوی آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد که با این مبانی هم‌خوانی بیشتری داشته باشد. بر همین اساس ضمن بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی از منظر صاحب‌نظران خارجی و داخلی، تلاش گردید آن دسته از مؤلفه‌هایی که با دامنه محتوایی و حدود و ثغور سبک زندگی اسلامی نزدیک‌تر است، انتخاب شود. در این میان مؤلفه‌های ده‌گانه سبک زندگی اسلامی ارائه شده در رساله دکتری کاویانی (۱۳۹۱)، انتخاب و پس از تأیید صاحب‌نظران، برای انجام مطالعه به کار گرفته شد. ضمن اینکه این مؤلفه‌ها با دیدگاه پژوهشگرانی مانند، معافی (۱۳۹۲)، بشیری، علیزاده و کرمی (۱۳۸۶)، خطیبی و ساجدی (۱۳۹۲)، مهدوی‌کنی (۱۳۸۷)، معتمدی (۱۳۹۲)، شریعتی (۱۳۹۲) و موسوی گیلانی (۱۳۹۲) بیشترین هم‌خوانی را داشتند، به‌ویژه برخی از این معیارها به شکل غیرمستقیم توسط صاحب‌نظرانی چون ماکس وبر و بوردیو مورد تأیید قرار گرفته است.

ملاک‌ها یا مؤلفه‌های ده‌گانه سبک زندگی اسلامی که کاویانی (۱۳۹۱) در پژوهش خود بدان‌ها رسیده و اسناد بالادستی آموزش و پرورش نیز با توجه به همان مؤلفه‌ها (ملاک‌ها) مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، به سه دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

۱. تکالیف و رفتارها در برابر خود

۱.۱. ملاک سلامت: به اموری نظر دارد که آن امور به‌گونه‌ای در سلامت جسمانی و روانی فرد ایفای

نقش می‌کنند؛

۱.۲. ملاک مالی: رفتارهایی که مستقیم یا غیرمستقیم به امور اقتصادی و مادی زندگی فرد مربوط

می‌شود؛

۱.۳. ملاک تفکر و علم: به ساحت شناختی فرد اشاره دارد، از جمله شناخت‌های فعلی فرد، تلاش

برای افزایش شناخت‌های خود، شناخت جامعه و نظام هستی، جایگاهی که فرد برای علم و تفکر قائل است و مواردی از این قبیل؛

۱.۴. ملاک اخلاق: به صفات و رفتارهای درونی شده‌ای از فرد گفته می‌شود که موجب بهبود روابط او با دیگران می‌شود، وظیفه رسمی و قانونی او محسوب نمی‌شود و اگر آن‌ها را ترک کرد کسی مؤاخذه‌اش نخواهد کرد؛

۱.۵. ملاک زمان‌شناسی: به وظایف فرد در استفاده بهینه از زمان مربوط می‌شود (کاوینی، ۱۳۹۱، ص. ۲۱).

۲. تکالیف و رفتارها در برابر دیگران و جامعه

۲.۱. شاخص اجتماعی: به وظایفی از زندگی که فرد در ارتباط با دیگران و با نهادهای اجتماعی و سیاسی دارد مربوط می‌شود و فراتر از خود و خانواده هسته‌ای است؛

۲.۲. شاخص خانواده: به رفتارها و روابط فرد از این حیث که عضوی از یک خانواده است اشاره دارد؛

۲.۳. شاخص دفاعی امنیتی: وظایفی که با امنیت افراد و جامعه مرتبط است.

۳. تکالیف و رفتارها در برابر خداوند

۳.۱. شاخص عبادی: به وظایفی از زندگی که به رابطه میان فرد و خداوند مربوط می‌شود و فرد را به عنوان عبد خداوند نشان می‌دهد؛

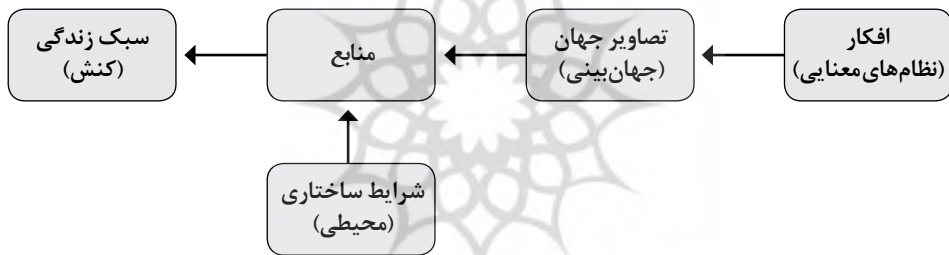
۳.۲. شاخص باورها: به مفاهیم درونی شده‌ای اشاره دارد که مستقیماً وظایف رفتاری زندگی نیستند، اما در لایه‌های زیرین شناختی، عاطفی و ایمانی فرد حضور دارند و خودآگاه یا ناخودآگاه نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارهای او ایفا می‌کنند.

در این مقاله گزاره‌های اسناد تحولی آموزش و پرورش با مؤلفه‌های ده‌گانه فوق انطباق داده شد و میزان توجه اسناد مذکور به این مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

تعاریف سبک زندگی و سبک زندگی اسلامی

اصطلاح سبک زندگی از مفاهیمی است که آن را در حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، برای بیان پاره‌ای واقعیت‌های فرهنگی مطرح می‌کنند و به کار می‌برند. این اصطلاح برای نخستین بار در روان‌شناسی، از سوی آلفرد آدلر^۳ (۱۹۲۲؛ به نقل از مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷، ص. ۲۱۱) روان‌شناس اتریشی به کار گرفته شد. آدلر سبک زندگی را شامل همه رفتارها، افکار، احساسات فرد و حرکتش به سوی هدف می‌داند. شاگردان آدلر این تعریف را گسترش دادند. آن‌ها سبک زندگی را در قالب درخت نمودار سبک زندگی تعریف کرده‌اند. ریشه‌های این درخت را سلامت، ظاهر افراد، نگرش

والدین، وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده، ترکیب و تعداد جمعیت خانواده و نقش جنسیتی در خانواده (دختر یا پسر بودن) می‌سازد، اما تنه درخت شامل دانش‌ها، تفکرات، احساسات، باورها و ارزش‌های فرد درباره خود، خانواده، جامعه، خدا، شغل، نظام هستی و تولید نسل است. شاخه‌های درخت زندگی وظایف فرد را در ارتباط با خود، خدا، خانواده، جامعه، شغل، نظام خلقت و تولید نسل می‌سازد (کاوایانی، ۱۳۹۱، ص. ۲۶) اگر بخواهیم از منظر گنورک زیمل^۴ (۱۹۷۱) تعریفی کوتاه از سبک زندگی ارائه دهیم، باید بگوییم: سبک زندگی، کل به‌هم پیوسته‌ای است از صورت‌هایی که فرد با توجه به انگیزه‌های درونی خود و به‌واسطه تلاشی که برای ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست‌محیطی عینی و انسانی‌اش به انجام می‌رساند، برای زندگی خود برمی‌گزیند. از نظر وبر سبک زندگی در قالب پایگاه و گروه منزلتی معنی پیدا می‌کند. همچنین وبر در مورد ادیان و مذاهب مختلف، نگاهی جامعه‌شناسانه به ادیان دارد. او می‌خواهد معین کند که نیروهای مذهبی تا چه حد به‌طور کیفی در شکل‌گیری سبک زندگی در جهان سهم داشته‌اند (کاوایانی، ۱۳۹۱)



نمودار ۱. رابطه دین با سبک زندگی

مدل وبر، در اینکه دین چگونه و در چه مواردی «می‌تواند» با سبک زندگی پیوند داشته باشد (و بر آن تأثیر گذارد)؛ یکی از الگوهای پایه است. در واقع در این الگو کنش به معنای عام است که از آن برای بحث سبک زندگی استفاده می‌شود. بر اساس این الگو، تعاملات، تمایلات و منابع، کنش، یا به تعبیری، انتخاب فرد را پدید می‌آورد که به الگو یا مجموعه حاصل از آن سبک زندگی می‌گوییم. به بیانی مشروح‌تر تمایلات فرد یا الگو یا مجموعه حاصل از آن را سبک زندگی گویند. از جمله دلایل پیوند دین با سبک زندگی از دیدگاه وبر عبارت‌اند از:

۱. دین می‌تواند حاوی آگاهی‌ها، تجربیات و تمایزهایی میان امور قدسی و غیر آن (جهان‌بینی) باشد که فرد را در شناخت خود و جهان پیرامونش کمک کند و در ترسیم طرحی از آن‌ها در ذهنش و تعیین از خود، یاری رساند؛
۲. دین احساس‌هایی را در فرد برمی‌انگیزد (ترس، احترام ایمنی، رضایت، گناهکاری و...) که می‌تواند در احساس کهنتری فرد تأثیر گذارد و آن را تقویت و یا تضعیف کند؛

۳. دین عموماً دارای مجموعه‌ای از قواعد و قوانین، ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری (احکام و اخلاق)، شعائر و مراسم است و مدعی است بهترین الگوی زندگی را به افراد و جامعه پیشنهاد می‌کند؛
۴. دین می‌تواند بر خلاقیت فرد تأثیر گذارد و او را در مواجهه با محدودیت وراثتی و محیطی توانمند یا ناتوان سازد؛
۵. دین به‌طور معمول دارای نهادهای اجتماعی و جمعی نسبتاً منسجم از پیروان است و این خود در شکل‌گیری اجتماعی شدن فرد و طبعاً شناخت او از این محیط اثر می‌گذارد.
۶. دین معمولاً شناختی تودرتو یا رتبی (سلسله مراتبی) و عمیق از جهان به فرد ارائه می‌کند و سیر در مسیر آن و عبور از هر مرحله آن راه را برای ورود به مرحله بعد هموار می‌سازد. پس دین می‌تواند در همه مراحل رشد، تأثیرگذاری خود را حفظ کند (کاوایانی، ۱۳۹۱، ص. ۴۸). مهدوی (۱۳۸۷) کنی نیز معتقد است دین می‌تواند در ایجاد عادت‌واره‌ها، سلیقه و زیبایی‌شناسی و در نتیجه سبک‌های زندگی نقش ایفا کرده و جدای از سبک زندگی دینی، در شکل‌گیری دیگر سبک‌های زندگی نیز دخیل باشد.

بوردیو^۶ سبک زندگی را شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی‌کننده فرد در عرصه‌هایی مانند تقسیم ساعات شبانه‌روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، آداب سخن گفتن و راه رفتن می‌داند که عینیت یافته و تجسم یافته تریخات افراد است (به نقل از باکاک، ۱۳۸۱). گویفرا و دیگران^۷ (۱۹۹۹) سبک زندگی را شامل سیاست‌ها، مذهب، سلامتی، روابط صمیمانه با دیگران تعریف می‌کند. همه این موارد در شکل‌دهی به سبک زندگی یک فرد نقش دارد. از نظر این دو صاحب‌نظر سبک زندگی نگرش‌های فرد، روش زندگی، ارزش‌ها و دید جهانی فرد را منعکس می‌کند. همچنین سبک زندگی را وسیله‌ای برای انعکاس هویت فردی و ایجاد نمادهای فرهنگی می‌دانند.

از نظر حاجیانی سبک زندگی در حوزه مطالعات فرهنگی، به مجموعه رفتارها، الگوها و کنش‌های هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و زندگی اجتماعی اوست، اطلاق می‌شود و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد است. سبک زندگی را می‌توان در تمامی کنش‌ها و رفتارهای فرد و در تعاملات و ارتباطات وی با دیگران، طبیعت و به‌طور کلی محیط اجتماعی اطراف وی که معمولاً قابل مشاهده و توصیف و اندازه‌گیری است ملاحظه و مشاهده کرد (حاجیانی، ۱۳۸۷). سبک زندگی در هر جامعه، شخصیت و هویت فردی و جمعی احاد آن جامعه را نمایان می‌سازد؛ و در واقع، به‌طور کلی می‌توان تمایز فرهنگی و تمدنی جوامع را بر اساس سبک زندگی مردم هر جامعه تشخیص داد. این نگرش و باورها در هر جامعه‌ای متأثر از عوامل متفاوتی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که «سبک زندگی» مبین بخشی از فرهنگ است که در جوامع امروزی نقش مهمی در زندگی مردم بازی می‌کند، چراکه با مسائل کلیدی و حساسی همچون هویت (تمایز) فردی و اجتماعی و فعلیت بخشیدن به قدرت تشخیص و انتخاب، یا دست‌کم ایجاد احساس آزادی با عمل پیوند خورده است.

موسوی گیلانی (۱۳۹۲) منظور از سبک زندگی را مجموعه الگوهای رفتاری انسان در ارتباط با خود، خداوند، جامعه و نظام خلقت از قبیل نحوه لباس پوشیدن، غذا خوردن، تفریحات، روابط با یکدیگر، طلاق و ازدواج، نوع معیشت، شیوه کسب و کار، نحوه مراقبت از جانوران و یا شیوه عبادت می‌داند.

شریعتی (۱۳۹۲) در نوشتاری با عنوان «درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات» بیان می‌کند که سه سبک زندگی وجود دارد: یک سبک زندگی زاهدانه که در واقع ترک دنیاست زیرا [زاهد] دنیا را عامل اصلی تخریب هویت و شخصیت آدمی می‌داند. دوم سبک زندگی فلسفی کام‌جویانه است که هیچ‌گونه اعتقادی به آخرت ندارد و صرفاً در پی کام‌جویی از دنیا است و سوم دیدگاه اسلام است که به دنیا و آخرت توأمان نظر دارد و انسان را مسئول در برابر خود، خدا و جامعه و پاسخگو به نظام طبیعت می‌داند. تنها دیدگاه اخیر است که می‌تواند به یک زندگی سالم منجر شود.

خطیبی و ساجدی (۱۳۹۲) در مطالعه خود آورده‌اند که سبک زندگی اسلامی ریشه در شکوفایی ارزش‌های عقلی و فطری دارد و در حیات عقلانی تجلی می‌یابد. حیات طیبۀ اسلامی، رهاورد سبک فردی عقلانی و سلوک اجتماعی عاقلانه است.

مه‌دوی کنی (۱۳۸۷)، پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف در باب سبک زندگی، می‌گوید: سبک زندگی اعم از بعد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی است. به عبارتی دیگر سبک زندگی همه حوزه‌های رفتاری اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود. سبک زندگی عین تک‌تک رفتارها نیست، بلکه «الگوی همگرا» و کلیتی انتزاعی از این رفتارها است. مهم‌ترین ویژگی سبک زندگی، شکل‌گیری آن حول محور گرایش‌هاست. اهمیت سبک زندگی در این است که سطحی‌ترین لایه‌های زندگی را به عمیق‌ترین لایه‌های آن پیوند می‌زند.

معتمدی (۱۳۹۲) در پژوهش خود آورده است که سبک زندگی یعنی آن‌گونه که ما با خداوند، خود، دیگران و طبیعت (هستی) با استناد به روایات معصومین (ع) و آیات قرآن تعامل داریم. این پدیده وقتی مطلوب و متناسب با ارزش‌های اسلامی است که فرد به تمام روابط چهارگانه (ارتباط با خدا، خود، دیگران و طبیعت) توجه داشته و اهمیت هر یک از این تعاملات را در چارچوبی که دستورات اسلامی مشخص کرده است مدنظر داشته و نسبت به آن‌ها غفلت نرزد.

معافسی (۱۳۹۲) سبک زندگی اسلامی را مجموعه تکالیف و رفتارهای برگرفته از باورها و اعتقادات اسلامی می‌داند که با توجه به آموزه‌های دینی (قرآن و تعالیم اهل بیت) و در ارتباط با عرصه‌های چهارگانه خود، جامعه، خداوند و نظام خلقت می‌داند که عمل به آن‌ها، نیل به حیات طیبۀ فردی و اجتماعی را تضمین می‌کند.

کاوایانی (۱۳۹۱، ص. ۱۸) معتقد است سبک زندگی اسلامی، از آن جهت که «سبک» است به رفتار

می‌پردازد و لذا با شناخت‌ها و عواطف ارتباط مستقیم ندارد، ولی از آن جهت که «اسلامی» است، نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد. بر این اساس درست است که در سبک زندگی عمق اعتقادات و عواطف و نگرش فرد سنجیده نمی‌شود، بلکه رفتارهای او مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت‌ها و عواطف اسلامی را هم پشتوانه خود قرار دهد. در سبک زندگی از دیدگاه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم پزشکی و...، فقط به رفتار نگاه می‌شود و هیچ‌کدام از آن‌ها به نیت افراد و عواطف و شناخت‌هایی که پشتوانه آن رفتارهاست، کاری ندارند؛ ولی سبک زندگی اسلامی نمی‌تواند نیت‌ها را در نظر نگیرد و در عین حال که تأکید آن روی رفتار است، به حداقل‌های عواطف و شناخت‌ها نیز نظر دارد. در واقع، در سبک زندگی اسلامی می‌شود رفتارها را به مهره‌های (تسبیح) متعددی تشبیه کرد که علوم انسانی به خود آن مهره‌ها و بدون ارتباط با عوامل دیگر می‌پردازند، ولی در سبک زندگی اسلامی نه تنها به خود آن مهره‌ها، بلکه به آنچه سبب ارتباط آن‌ها با هم می‌شود و همانند نخ تسبیح در تمام آن‌ها وجود دارد نیز می‌پردازد.

اکنون با توجه به تعاریف فوق نتیجه می‌گیریم:

- دین و نیروهای مذهبی (حداقل در جوامع مذهبی و جهان سوم) عامل اساسی در شکل‌دهی به رفتارهای فرد در زمینه‌های مربوط به خود، خدا، جامعه و نظام خلقت‌اند و خانواده در شکل‌گیری آن رفتارها نقش اساسی دارد.
- دین کل به‌هم‌پیوسته‌ای از باورها و اعتقادات است که به رفتارهای فرد انگیزه و جهت می‌دهد. این رفتارها، بین شخصیت ذهنی فرد و محیط اجتماعی و زیستی او توازن ایجاد می‌کند.
- دین از طریق نهادهایی که به وجود می‌آورد، در رفتارهای اجتماعی فرد و سبک زندگی او تأثیر می‌گذارد.
- تکالیف دینی مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری می‌سازد که به آن سبک زندگی می‌گویند. سبک زندگی انتخابی هویت فردی و اجتماعی فرد را مشخص می‌کند و موجب تمایز افراد جوامع از یکدیگر می‌شود.
- سبک زندگی مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده، الگوها و کنش‌هایی است که معطوف به ابعاد هنجاری و زندگی اجتماعی هر فرد است.
- سبک زندگی از آن جهت که سبک است به رفتار مربوط می‌شود، اما سبک زندگی اسلامی با شناخت و عواطف نیز مربوط می‌شود.
- سبک زندگی همه حوزه‌های رفتاری اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود. سبک زندگی عین تک‌تک رفتارها نیست، بلکه «الگوی همگرا» و مجموعه‌ای از این رفتارهاست.

- سبک زندگی مجموعه علائق، عقاید و رفتارهاست که جهت‌گیری‌های رفتاری یک فرد، گروه و یا فرهنگ را مشخص می‌کند.
- سبک زندگی ترکیبی از انگیزه‌ها، نیازها و خواسته‌های فرد است که از فرهنگ، خانواده و گروه‌های مرجع اجتماعی متأثر می‌شود.
- در اکثر تعاریفی که صاحب‌نظران ایرانی از سبک زندگی ارائه کرده‌اند بر تکالیف و وظایف مرتبط با خود، خدا، جامعه و نظام خلقت تأکید شده است.

به‌طور کلی می‌توان گفت سبک زندگی مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری هر انسان تحت تأثیر اعتقادات، ارزش‌ها، باورها، انگیزه‌ها و علائق اوست که هویت وی را می‌سازد. اما سبک زندگی اسلامی، برای مسلمانان، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری به‌هم‌پیوسته و برگرفته از دین اسلام - مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، زندگی ائمه و اقوال پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) - باورها و اعتقادات اجتماعی مردم است که مشخص می‌کند ما در ارتباط با خود، خدا، جامعه و نظام خلقت چه وظایف و تکالیفی داریم و این شامل همه حوزه‌های رفتاری اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. در سبک زندگی اسلامی نقش علائق و انگیزه‌های فردی کم‌رنگ‌تر است.

■ برنامه درسی در دوره ابتدایی

تعاریفی که در اسناد بالادستی از برنامه درسی ارائه شده نشان از اهمیت و جایگاه خاص و محوری آن در نظام تربیت دارد. از جمله در سند «مبانی نظری تحول بنیادین» آمده است که: «برنامه درسی به مجموعه فرصت‌های تربیتی نظام‌مند و طرح‌ریزی شده و نتایج مترتب بر آن‌ها اطلاق می‌شود که متریبان برای کسب شایستگی‌های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت بر اساس نظام معیار اسلامی در معرض آن‌ها قرار می‌گیرند تا با تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش، مرتبه قابل قبولی از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد را به دست آورند» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۶). برنامه درسی ستون کل فرایند آموزش و وسیله‌ای برای تحقق اهداف آموزش و پرورش می‌باشد که این اهداف پویا و مطابق با تغییرات نیازهای اجتماعی و اقتصادی هستند (مرکز اروپایی توسعه آموزش حرفه‌ای، ۲۰۱۲). ریچاردز^۱ (۲۰۱۳) نیز برنامه درسی را نقشه یا طرحی کلی برای یک دوره آموزشی و چگونگی تبدیل محتوای یک دوره به برنامه کلی برای یاددهی و یادگیری، که دستیابی به نتایج یادگیری مورد نظر را ممکن می‌سازد، تعریف می‌کند.

برنامه درسی محصول برنامه‌ریزی درسی است که خود دارای چهار مرحله طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی است. اولین مرحله برنامه‌ریزی درسی، طراحی است. مهم‌ترین بخش کار در این مرحله، تعیین منابع برنامه درسی است که به‌نوعی اهداف برنامه درسی نیز از آن طریق شناسایی و

تعیین می‌شوند. در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران که به صورت متمرکز مدیریت می‌شود، این منابع می‌بایست از طریق واکاوی اسناد تحولی شناسایی و تعیین شوند. بنابراین ضروری است در اسناد تحولی آموزش و پرورش به سبک زندگی اسلامی نیز، که یکی از شایستگی‌های اساسی برای دانش‌آموزان برای داشتن آینده‌ای روشن و موفق به حساب می‌آید، توجه شده باشد. برای اطمینان از این توجه، در این مطالعه اسناد یادشده مورد بررسی و واکاوی قرار گرفتند تا میزان عنایت این اسناد به سبک زندگی اسلامی معلوم گردد.

دوره ابتدایی یکی از حساس‌ترین و بااهمیت‌ترین دوره‌های تحصیلی است که در تعریف و مأموریت دوره‌های تحصیلی، آموزش مهارت‌های پایه و اساسی در این دوره پیش‌بینی شده است. بر همین اساس این مطالعه محدود به دوره ابتدایی شده است. از دیگر دلایل اهمیت این دوره تحصیلی، سرمایه‌گذاری کشورهای پیشرفته و به‌کارگیری افراد باتجربه در آن است. برای مثال، در کشور آلمان، کسانی که می‌خواهند آموزگار شوند باید از قابلیت‌های خاصی برخوردار باشند و مدت زمان بیشتری را صرف تحصیل در آموزش ابتدایی نمایند (عظیمی و حاجی حسین‌نژاد، ۱۳۸۵). از طرفی برنامه‌های درسی مدارس ابتدایی باید علاوه بر هدف‌های برنامه درسی سنتی، هدف‌های جدیدی را نیز به‌عنوان ملاک‌هایی در نظر بگیرد تا دانش‌آموزان بتوانند در جامعه امروز و فردا به‌طور مناسب عمل کنند و در جامعه پیچیده و به‌سرعت در حال تغییر، به‌طور موفقیت‌آمیزی زندگی کنند (تقی‌پورظهیر، ۱۳۸۷، ص. ۱۶). این دوره فرصت بسیار مناسبی را برای آغاز و تداوم یادگیری و تحصیل برای دانش‌آموزان فراهم می‌سازد، به‌گونه‌ای که اگر در این دوران، آموزش و تعالیم لازم به دانش‌آموزان داده نشود، جبران آن در دوره‌های بعدی بسیار مشکل خواهد بود (مرزوقی و صفری، ۱۳۸۵).

کارکرد برنامه درسی دوره ابتدایی به‌وسیله دو عامل اساسی تعیین می‌شود. از یک‌سو، میلیون‌ها کودک مدرسه‌رو در کشور وجود دارند. کودکانی با امکان بسیار زیاد برای زندگی در جامعه، اما متفاوت از نظر توانایی و ظرفیت یادگیری. از سوی دیگر، در جامعه مسائل بی‌شماری وجود دارد و باید برای بهبود و غنی‌تر کردن زندگی انسان‌ها کارهایی انجام گیرد. بنابراین برنامه درسی دوره ابتدایی شامل تجاربی است که کودکان از طریق آن به خودشکوفایی می‌رسند و در همان زمان یاد می‌گیرند که برای ساختن جامعه خوب، کشور خوب و بهتر زیستن همگان مشارکت کنند (تقی‌پورظهیر، ۱۳۸۷، ص. ۲۲). همچنین برنامه‌ریزان درسی دوره ابتدایی بایستی به وابستگی‌های زندگی معاصر و تغییرات سریع که خانواده‌ها با آن مواجه هستند، توجه کنند. مدارس ابتدایی نیز باید کودکانی را برای شهروندی جامعه اطلاعات‌محور با توسعه اقتصادی و دنیای هوشمند آماده سازند (تقی‌پورظهیر، ۱۳۸۷، ص. ۴۸). با این اوصاف دوره تحصیلی ابتدایی از حساس‌ترین و به تعبیری سرنوشت‌سازترین دوره‌های تحصیلی است، زیرا شایستگی‌هایی که کودکان در این دوره کسب می‌کنند ماندگاری بیشتری خواهد داشت.

پیشینه پژوهش

در زمینه سبک زندگی، در داخل و خارج کشور، پژوهش‌های زیر انجام شده است.

الف: پژوهش‌های داخل کشور

در ارتباط با عنوان پژوهش مورد نظر، با توجه به جدید بودن این موضوع، پژوهشی مرتبط با این موضوع مشاهده نشد. اما در ارتباط با خرده‌سبک‌های زندگی، رابطه سبک‌های زندگی با هویت اجتماعی، مقایسه سبک زندگی ایرانی با سبک زندگی غربی، رابطه سبک زندگی با شادی و رضایت از زندگی، امکان کمی‌سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی، بررسی نقش سبک زندگی اسلامی و تأثیر آن بر بهداشت روان انسان پژوهش‌های زیر شناسایی شد:

زارع و فلاح (۱۳۹۱) در تحقیقی در خصوص «سبک زندگی جوانان تهرانی و عوامل مؤثر بر آن»، بر مبنای تحقیقات تجربی و نظریه‌های موجود، این سبک‌های زندگی را در بین جوانان تهرانی شناسایی کرده است: سبک زیبایی‌شناختی - لذت‌جویانه، کارکردگرایانه، خرده‌فرهنگی و انفعالی؛ و بر اساس نتایج بالاترین مؤلفه را از نظر جوانان، سبک زندگی لذت‌جویانه و کم‌ترین را سبک زندگی منفعلانه بر شمرده است. او نتیجه می‌گیرد که جوانان شناخت درستی از سبک زندگی سالم ندارند.

خواججه‌نوری، پرنیان و همت (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی» که مبتنی بر نظریه گیدنز^۹ کار کرده است، متغیرهای سبک زندگی را شامل مصرف محصولات فرهنگی، فعالیت فراغتی، مدیریت بدن، میزان استفاده از رسانه‌ها و الگوهای خرید تعریف می‌نماید و نتیجه می‌گیرد که بین هویت اجتماعی با سبک زندگی مذهبی و سنتی و سایر سبک‌های زندگی فردی مانند سبک زندگی موسیقیایی - مدرن و سبک زندگی معطوف به ورزش و سبک زندگی دوستانه، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و در مجموع نزدیک به ۶۲/۷ درصد از تغییرات هویت اجتماعی را تحت پوشش می‌دهند.

صمیم (۱۳۹۳) در مطالعه خود با عنوان «فراتحلیلی بر پژوهش‌های مرتبط با سبک زندگی» اذعان می‌کند که نوع سبک زندگی ایرانی با نوع غربی آن تفاوت دارد. وی برای شناخت بیشتر این تفاوت‌ها به بررسی برخی از مطالعات داخلی جامعه‌شناسان ایرانی بر روی سبک زندگی غربی پرداخته است و می‌گوید نتیجه پژوهش‌های موردنظر در حوزه سبک زندگی در جامعه ایرانی نشان می‌دهد که اولاً اکثریت افراد جامعه به سبک زندگی اسلامی - ایرانی وفادارند و ثانیاً برخی از نگرش‌ها و رفتارهای جامعه غربی، به‌ویژه برای آن بخش از جامعه ایرانی که وفادار به سنت‌های خود می‌باشند، کارایی ندارد. کجباف، سجادیان، کاویانی و انوری (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی و رضایت از زندگی» پژوهشی را با مشخصات زیر انجام دادند و به نتایج زیر دست یافتند: جامعه آماری در این پژوهش از میان ۳۵۰ نفر از دانشجویان سال تحصیلی ۹۵-۸۹ شهر اصفهان به

روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های ۲۹ سؤالی شادی (آکسفورد) و ۲۵ سؤالی سبک زندگی اسلامی کاویانی بر روی آنان اجرا شد. در تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و رگرسیون چندگانه استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که بین انتخاب سبک زندگی اسلامی و خرده‌مقیاس‌های شادکامی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

کاویانی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «کمی‌سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی» مطالعاتی را در خصوص ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی، مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی، مقایسه سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی از دیدگاه آدلر، امکان کمی‌سازی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی از طریق مطالعه روشمند متون اسلامی و روان‌سنجی انجام داده است. پژوهشگر از پرسش‌نامه‌ای ۲۵ سؤالی برای درک امکان کمی‌سازی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی استفاده کرده است. نمونه آماری در این مطالعه دو گروه بوده‌اند. گروه اول ۲۵ نفر از صاحب‌نظران دینی و گروه دوم از بین ۳۰۰ نفر از دانشجویان و طلبه‌های حوزه علمی قم انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات شامل متون دینی، مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته، پرسش‌نامه و دو آزمون «سبک زندگی اسلامی» (محقق‌ساخته) و «جهت‌گیری مذهبی» در سه بعد عاطفی شناختی و رفتاری بود. نتایج این مطالعه به شرح زیر است:

۱. سبک زندگی اسلامی الگویی همگرا از همه رفتارها اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، اعتقادی و... تحت تأثیر آموزه‌های دینی است.
۲. مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی شامل ده مؤلفه اجتماعی، عبادی، باورها، اخلاقی، مالی، خانوادگی، سلامت، تفکر و علم، دفاعی و امنیتی و زمان‌شناسی است.
۳. شباهت‌های سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی آدلری، در توجه به ارزش‌ها کل‌نگری، غایت‌گرایی، جهت‌یابی فردی، خود خلاق، جبرگرایی ضعیف، نظریه میدان اجتماعی، تلاش برای برتری، اولویت دادن به هوشیاری، آسیب‌شناسی و درمان، تأکید بر پیشگیری و پذیرش کارکردهای سبک زندگی است. تفاوت‌ها شامل محدوده کارکردهای سبک زندگی، معیارهای کهنتری و مهتری واقعی، معیارهای احساس کهنتری و مهتری، معیارهای جبران، محدوده اصل غایت، نگرش‌های کلی حاکم بر زندگی، مبتنی بودن و یا نبودن سبک زندگی بر دین، جایگاه اراده در شکل‌گیری سبک زندگی، مصادیق ریشه‌های سبک زندگی و در نهایت عدم توجه آدلر به معنویت است.
۴. ملاک‌های سبک زندگی اسلامی که از طریق ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۴) به دست آمده است، نشان داد که این ملاک‌ها قابل کمی‌شدن است و آزمون ساخته‌شده ویژگی‌های روان‌سنجی لازم را دارد.

نورمحمدی و صدیقی ارفعی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش سبک زندگی اسلامی و

تأثیر آن بر بهداشت روان انسان» به این نتیجه رسیدند که انتخاب سبک زندگی اسلامی ایرانی موجب می‌شود که انسان از طریق عقل و قلب موفق به برقراری رابطه با وجود متعالی شود. این رابطه موجب ارتقای سلامت روانی افراد و کاهش اختلالات روانی در افراد می‌گردد.

ب: پژوهش‌های خارج از کشور

در خصوص مطالعات خارج از کشور در ارتباط با سبک زندگی، این پژوهش‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. مطالعات متمرکز بر سبک زندگی با توجه به موقعیت اجتماعی

مطالعات اولیه متمرکز بر تحلیل وضعیت اجتماعی فرد و موقعیت او در داخل ساختار خویشاوندی است. تورشتاین و بلن (۱۹۹۱)، با طرح مفهوم «هم‌چشمی و رقابت»، باب این بحث را باز کرد. او اصرار دارد که مردم در زندگی خود سبک خاصی را و در الگوهای خاص از مصرف مشخص می‌پذیرند و تمایل دارند که مردم موقعیت آن‌ها را در جامعه از این طریق بشناسند. وبر اشاره می‌کند که سبک‌های زندگی، عناصر متمایزکننده افراد است و با موقعیت اجتماعی فرد عمیقاً مرتبط است. افراد مدگرا بدین طریق می‌خواهند پرستیژ اجتماعی خود را به دیگران نشان دهند. زیمل در پژوهش خود با نام «تحلیلی رسمی بر سبک‌های زندگی» متغیرهایی مانند فردی شدن، تشخص، تفاوت و گرفتن تأیید رسمی از سوی دیگران را شناسایی کرد (به نقل از کاویانی، ۱۳۹۱).

۲. مطالعات متمرکز بر سبک زندگی به عنوان یک روش تفکر

این مطالعات ریشه در تحلیل روانکاوی دارد. این تفکر ابتدا با مطالعات آدلر، روان‌شناس اتریشی، شروع شد در این رویکرد سبک زندگی به عنوان یک سبک شخصی و در درون چارچوبی از ارزش‌ها و اصولی که فرد پذیرفته است و به رفتارهای او جهت می‌دهد تفسیر می‌شود. سبک زندگی در سال‌های اولیه زندگی و در خانواده شکل می‌گیرد و در پایان به یک نظام قضائتی در فرد منجر می‌شود که به اعمال او جهت می‌دهد (مهدوی کنی، ۱۳۸۶). این طرز تفکر را در پژوهش روکیچ^{۱۰} (۱۹۷۳) می‌توان ردیابی کرد؛ و سرانجام در پژوهش لین، کاله و گورل آتی^{۱۱} (۲۰۱۴) گسترش یافت و به عنوان «نیمرخ ارزش‌های فردی» معروف شد. بر اساس این رویکرد الگوهای مختلفی از مقیاس‌های ارزشی به صورت سلسله‌مراتبی سازمان‌دهی شد و با گروه‌های جمعیت‌های مختلف مطابقت داده شد.

یانکلوویچ^{۱۲} (۱۹۶۴) و ولز^{۱۳} (۲۰۱۱) بعدها رویکرد «نگرش، عقاید، تمایلات» را مطرح کردند که بر مبنای روندهای اجتماعی- فرهنگی بنا نهاده شده است. بعدها افرادی مانند کاتالات^{۱۴} (۱۹۹۰) نیز آن‌ها را از بعد زمانی، عرضی و تاریخی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دادند. حاصل این مطالعات منجر به پیدایش رویکرد «نیمرخ ارزش‌ها و رفتارها» شد. این رویکرد در اصل یک تحلیل ارتباطی بین متغیرهای ذهنی و متغیرهای رفتاری را به ذهن متبادر می‌سازد که در آن هم روندهای اجتماعی-

فرهنگی تأثیر دارد، هم پراکندگی سبک‌های مختلف زندگی در گروه‌های جمعیتی را نشان می‌دهد و هم جهت‌گیری‌هایی را آشکار می‌سازد که تعامل بین تفکر افراد و اعمال آن‌ها را نشان می‌دهد.

۳. مطالعات متمرکز بر سبک زندگی به‌عنوان یک مجموعه رفتار

در این مطالعات تأکید بر این است که عمل فرد از سبک زندگی او ریشه می‌گیرد و طرز تفکر و باورها یک مؤلفهٔ جنبی و هم‌عرض با عمل و رفتار فرد نیست، بلکه سازندهٔ آن است. در زمانی که این رویکرد اولین بار مطرح شد تمرکز بر رفتار مصرفی فرد بود. برای مثال، دیدن محصولات در صفحهٔ تلویزیون موجب تغییر نگرش فرد می‌شود. فرد در مورد موقعیت خود و نیاز به این محصولات و مصرف آن‌ها می‌اندیشد و در نتیجه چشم‌انداز فرد وسیع‌تر می‌شود. این رویکرد به میزان زیادی بر بهره‌مندی از مادیات در زندگی روزانه متمرکز شده است. پژوهشگرانی مانند گیدنز (۱۹۹۱) در مطالعات خود به تعاملات بین بُعد انتخاب کردن فعال و بُعد عمل در سطح روزمره متمرکز شده است، درحالی‌که نویسندگانی مانند جنکینز^{۱۵} (۱۹۸۳) معتقد است که فرد در زندگی روزمرهٔ خود و بسته به محیط، فناوری روز، علایق، موقعیت اجتماعی و نگرش‌هایی که دارد، ممکن است از انواع سبک‌ها استفاده کند.

■ تحلیلی بر پژوهش‌های انجام‌شده

پژوهش‌های داخل کشور عمدتاً مرتبط با خرده‌سبک‌های زندگی جوانان، رابطهٔ سبک‌های زندگی با هویت اجتماعی، مقایسهٔ سبک زندگی ایرانی با سبک زندگی غربی، رابطهٔ سبک زندگی با شادی و رضایت از زندگی، امکان کمی‌سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی، بررسی نقش سبک زندگی اسلامی و تأثیر آن بر بهداشت روانی انسان و یک مورد نیز در ارتباط با چارچوب نظری سبک زندگی اسلامی است (کاویانی، ۱۳۹۱). پژوهش زارع و فلاح (۱۳۹۱) حاکی از آن است که در بین جوانان (به‌ویژه جوانان تهرانی) سبک زندگی لذت‌جویانه غلبه دارد و ریشهٔ آن را باید در خصلت جوانی و محیط اجتماعی-فرهنگی این شهر جست‌وجو کرد. در عین حال وجود سایر خرده‌سبک‌ها در بین جوانان، بیانگر آن است که آن‌ها سبک‌های زندگی فردی هستند و هرکدام نیز دلایل خاص خود را دارد. از طرفی سبک زندگی اسلامی، به دلیل تأکید بر باورها و رفتارهای یکسان، سازندهٔ هویت اجتماعی است (خواجانه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۳). همین موضوع تأکیدی بر اهمیت آموزش‌های دینی و اعتقادی مشترک است. هویت اجتماعی متأثر از فرهنگ و باورهای اعتقادی جمعی است، اما هویت فردی متأثر از نگرش‌ها و علایق شخصی است. اکثریت افراد معتقد سبک زندگی اسلامی را ترجیح می‌دهند، اما سبک زندگی غربی نیز مشتریان خاص خود را دارد (صمیم، ۱۳۹۳). از طرفی پژوهش کجباف و همکاران (۱۳۹۵) و نورمحمدی و صدیقی ارفعی (۱۳۹۵) تأییدی بر اهمیت انتخاب سبک زندگی اسلامی توسط اکثریت افراد جامعه است، زیرا نه‌تنها موجب شادکامی و رضایت خاطر افراد

می‌شود، بلکه به دلیل نزدیک کردن افراد به خداوند، موجب کاهش اختلالات روانی و افزایش سلامت روانی افراد نیز می‌شود. اما نگرش و نیت افراد در سبک زندگی آنان تأثیر مستقیم دارد. عوامل و مؤلفه‌های گوناگونی در شکل‌گیری انواع سبک زندگی در بین افراد جامعه مؤثرند. در اکثر تعاریفی که از سبک زندگی اسلامی ارائه شده است بر روابط چهارگانه ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط با طبیعت تأکید شده است.

پژوهش‌های خارج از کشور عمدتاً بر تدوین چارچوب نظری برای سبک زندگی و الگوسازی برای آن متمرکز شده‌اند. می‌توان گروهی از این پژوهش‌ها را که بر سبک‌های زندگی فردی و علل و ویژگی آن‌ها مانند فردی‌شدن، تشخیص، تفاوت و گرفتن تأیید رسمی از سوی دیگران متمرکز شده‌اند شناسایی کرد. این سبک‌ها متمایزکننده افراد از یکدیگر است. در جامعه غربی انتخاب سبک زندگی مصرف‌گرا توسط افراد بیشتر نمایشی از پرستی اجتماعی است. گروه دیگری از این مطالعات تمرکز خود را بر مطالعه تفکر افراد به‌عنوان روش زندگی و مطالعه بین متغیرهای ذهنی (نگرش، عقاید و تمایلات افراد) و رفتار افراد، اما تحت تأثیر عواملی نظیر جریان‌ات اجتماعی - فرهنگی روز معطوف کرده‌اند. نتیجه غایبی این مطالعات منجر به ارائه رویکرد «نیمرخ ارزش‌ها و رفتارها» در مطالعه سبک‌های زندگی گردید. گروه سوم مطالعاتی هستند که تمرکز خود را بر شکل‌گیری رفتارهای معین، از طریق شکل دادن به طرز تفکر به‌عنوان سازنده رفتار، معطوف کرده‌اند. برخی از پژوهشگران این گروه نیز معتقدند که فرد در زندگی روزمره و بسته به محیط، فناوری، علایق، موقعیت اجتماعی و یا نگرش‌هایی که دارد، ممکن است که از انواع سبک‌ها استفاده کند.

دین در سبک زندگی جوامع مختلف نقش اساسی دارد و همچنین نگرش و نیت افراد در سبک زندگی آنان تأثیر مستقیم دارد. به‌طورکلی، عوامل و مؤلفه‌های گوناگونی در سبک‌دهی زندگی به افراد جامعه مؤثرند. در ضمن برداشت‌های گوناگونی از سبک زندگی در جامعه ایرانی بر اساس رویکردهای متفاوت افراد وجود دارد. در اکثر تعاریفی که از سبک زندگی اسلامی ارائه شده است بر روابط چهارگانه ارتباط با خدا، خود، دیگران و طبیعت تأکید شده است.

■ هدف کلی

در این پژوهش هدف کلی ما بررسی سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین است.

■ سؤال‌های پژوهش

سؤال کلی پژوهش: تا چه اندازه در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش به سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی توجه شده است؟

سؤالات جزئی پژوهش

۱. میزان توجه اسناد تحول بنیادین، به «مؤلفه‌های اجتماعی» سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی چگونه است؟
۲. میزان توجه اسناد تحول بنیادین، به «مؤلفه‌های عبادی» سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی چگونه است؟
۳. میزان توجه اسناد تحول بنیادین، به «مؤلفه‌های اخلاقی» سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی چگونه است؟
۴. میزان توجه اسناد تحول بنیادین، به «مؤلفه‌های باور» به سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی چگونه است؟
۵. میزان توجه اسناد تحول بنیادین، به «مؤلفه‌های مالی» سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی چگونه است؟
۶. میزان توجه اسناد تحول بنیادین، به «مؤلفه‌های خانواده» سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی چگونه است؟
۷. میزان توجه اسناد تحول بنیادین، به «مؤلفه سلامت» در سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی چگونه است؟
۸. میزان توجه اسناد تحول بنیادین، به «مؤلفه علم و تفکر» سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی چگونه است؟
۹. میزان توجه اسناد تحول بنیادین، به «مؤلفه دفاعی امنیتی» سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی چگونه است؟
۱۰. میزان توجه اسناد تحول بنیادین، به «مؤلفه زمان‌شناسی» سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی چگونه است؟

روش پژوهش

روش تحقیق، توصیفی و به بیان دیگر توصیفی - تحلیلی است و با توجه به اینکه مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفته، در گردآوری داده‌ها از تکنیک تحلیل محتوا استفاده گردید. در این روش بسامد محتوای موجود در متن تعیین و درصدهای حاصل از شمارش (وجود یا عدم وجود مؤلفه) از واحدهای تحلیل استفاده شد. واحد تحلیل ضرایب ارزشی بوده است که به مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی کایانی (۱۳۹۱) اختصاص داده شده است. در واقع با این روش به تعیین فراوانی و کمیت مفاهیم موجود در متن پرداخته شده است.

جامعه مورد مطالعه در این تحقیق شامل اسناد تحولی، یعنی سند برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین به اضافه مبانی نظری تعلیم و تربیت رسمی و عمومی بوده است. در استخراج اطلاعات مورد نیاز، کل این اسناد مورد بررسی قرار گرفت. به منظور بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در اسناد مورد نظر، واحدهای تحلیل مشخص و مورد پردازش قرار گرفت و در نهایت میزان برخورداری آن‌ها (گزاره‌های اسناد) از نظر توجه به مؤلفه‌های سبک زندگی، تعیین شد.

مراحل انجام کار

- انتخاب مؤلفه‌های ده‌گانه سبک زندگی اسلامی؛
- تعیین روایی محتوایی مؤلفه‌ها بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران (جدول شماره یک)؛

جدول ۱. مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی با توجه به نتایج پژوهش کاپیانی

مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی اسلامی (کاپیانی، ۱۳۹۱)									
زمان‌شناسی	دفاعی-امنیتی	علم و تفکر	سیاسی	فرهنگی	ملی	آزادی	بازارها	عبادی	آینده‌نگاری

- شناسایی و دعوت از صاحب‌نظران مرتبط^{۱۶}؛
- تبیین موضوع مورد مطالعه برای آن‌ها و ارسال منابع و فرم‌های مورد نظر برای آن‌ها؛
- تطابق گزاره‌های اسناد با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و اعتبارسنجی ارزش نسبی هر یک از گزاره‌ها و مؤلفه‌ها در جلسات هم‌اندیشی با حضور صاحب‌نظران شامل: الف) تشریح مجدد گزاره‌ها و دریافت نظرات مدعوین، ب) بحث و بررسی بر روی موارد مورد اختلاف و نهایتاً توافق و علامت‌گذاری در خانه‌های جدول.
- تکمیل نهایی کاربرگ‌های مورد نظر به همراه تعیین ضریب ارزش نسبی آن‌ها که در بخش یافته‌های پژوهش ارائه شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از استخراج داده‌ها و تحلیل محتوای اسناد بالادستی، داده‌ها به روش کمی درصدی مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل محتوای کمی می‌تواند توصیفی یا توصیفی-تحلیلی باشد. به این صورت که بعد از تعیین ارتباط گزاره‌های اسناد با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی، میزان ارزش نسبی (بر پایه استدلال‌ها و دیدگاه صاحب‌نظران یا متخصصان موضوعی شرکت‌کننده در جلسات هم‌اندیشی مبتنی بر اسناد) ارتباط هر یک از گزاره‌های اسناد با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی تعیین شد.

■ یافته‌های تحقیق

از آنجاکه در این مطالعه، به بررسی میزان توجه به سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی در بین گزاره‌های اسناد تحولی پرداخته شده است، در این راستا گزاره‌های ارائه شده در اسناد یادشده از منظر ارتباط و پوشش دهی به ده مؤلفه سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۲ به شرح ذیل ارائه شده است:

جدول ۲. انطباق گزاره‌های اسناد با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی

مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی اسلامی (کابانی، ۱۳۹۱) و ضرب هر یک									گزاره‌های اسناد تحول بنیادین
اجتماعی (۳)	عبادی (۳)	زبان‌شناسی (۱)	دفاعی امنیتی (۱)	علم و تفکر (۲)	سلامت (۲)	خانواده (۲)	مالی (۲)	اخلاق (۲)	
	*								تلاش مداوم جهت ارتقای ابعاد معنوی وجودی خویش و دیگران از طریق برقراری ارتباط با خداوند
	*		*						بسط فرهنگ نیکوکاری و تعاون، مشارکت‌پذیری و مشارکت‌جویی در بین دانش‌آموزان با الهام از آموزه‌های دینی با تأکید بر استفاده مناسب از ظرفیت کتاب‌های درسی، مجلات و رسانه‌های آموزشی و برگزاری اردوهای جهادی
	*			*					زمینه‌سازی کسب شایستگی‌های پایه - با تأکید بر خصوصیات مشترک اسلامی - ایرانی و انقلابی، در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی
		*	*						بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی مبتنی بر رویکرد فرهنگی تربیتی و تقویت و توسعه جنبه‌های تربیتی و اخلاقی آن‌ها به‌منظور فراهم آوردن زمینه تربیت‌پذیری دانش‌آموزان بر اساس فرهنگ اسلامی ایرانی

جدول ۲. (ادامه) انطباق گزاره‌های اسناد با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی

مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی اسلامی (کابانی، ۱۳۹۱) و ضریب هر یک										
بازوها (۳)	اخلاق (۳)	مالی (۲)	خانواده (۳)	سلامت (۳)	علم و تفکر (۳)	دفاعی امنیتی (۱)	زمان‌شناسی (۱)	عبادی (۳)	اجتماعی (۳)	گزاره‌های اسناد تحول بنیادین
				*					*	تأکید بر شایستگی‌های پایه زمینه‌دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش
			*						*	تلاش پیوسته جهت حفظ و ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی خود و دیگران بر اساس نظام معیار اسلامی
						*		*		ترویج و تعمیق فرهنگ حیا، عفاف و حجاب متناسب با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی
			*			*			*	کوشش مداوم فردی و جمعی برای حفاظت از محیط‌زیست و احترام به طبیعت بر اساس نظام معیار اسلامی
		*						*		پرورش حواس و قدرت تخیل برای بازخوانی فطرت الهی خویش و دریافت تجلیات حق در سراسر طبیعت/ هستی
		*						*		درک زیبایی‌های جهان آفرینش به منزله مظاهر جمال و کمال الهی و ارتقای ذائقه زیباشناسانه خود
						*			*	زیباسازی محیط زندگی و پیراستن آن از انواع زشتی‌های معنوی، اخلاقی زیست‌محیطی

مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی اسلامی (کاوبانی، ۱۳۹۱) و ضرب هر یک										گزاره‌های اسناد تحول بنیادین
اجتماعی (۳)	عبادی (۳)	زمان‌شناسی (۱)	دفاعی امنیتی (۱)	علم و تفکر (۲)	سلامت (۲)	خانواده (۲)	مالی (۲)	اخلاق (۳)	باورها (۳)	
		*	*	*				*		برنامه‌های درسی و تربیتی زمینه‌ساز تربیت نسلی، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش
		*	*	*						برنامه‌های درسی و تربیتی زمینه‌ساز تربیت نسلی، ولایت‌مدار و منتظر و تلاش‌گر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی
		*	*	*	*	*				برنامه‌های درسی زمینه‌ساز تربیت نسلی، بالاراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت‌نفس، امانت‌دار، دانا و توانا، پاک‌دامن و باحیا، انتخاب‌گر و آزادمنش، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین. مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر، وفادار به ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی
		*	*							برنامه درسی باید زمینه تقویت و پایداری هویت ملی را با تأکید بر تعمیق باورها و ارزش‌های اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، زبان و ادبیات فارسی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، میهن‌دوستی، وحدت و استقلال ملی و همبستگی اسلامی فراهم آورد

جدول ۲. (ادامه) انطباق گزاره‌های اسناد با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی

مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی اسلامی (کاوایی، ۱۳۹۱) و ضریب هر یک										
بازوها (۳)	اخلاق (۳)	مالی (۲)	خانواده (۳)	سلامت (۳)	علم و تفکر (۳)	دفاعی امنیتی (۱)	زمان‌شناسی (۱)	عبادی (۳)	اجتماعی (۳)	گزاره‌های اسناد تحول بنیادین
							*	*		ایمان به انبیاء الهی، قرآن، پیامبر خاتم (ص)، ائمه معصومین (ع) و ولایت مطلقه فقیه و نقش بی‌بدیل آن‌ها در هدایت و رستگاری بشر
		*								برقراری ارتباط سازنده با طبیعت از طریق شناخت و استفاده از طبیعت با هدف تکریم، تسخیر، آبادانی و آموختن از آن برای ایفای نقش سازنده در فعالیت‌های علمی در سطح ملی و جهانی
	*				*		*	*		تقویت ایمان، بصیرت دینی و باور به ارزش‌های انقلاب اسلامی و توانمندسازی مربیان و دانش‌آموزان برای وفاداری و حمایت آگاهانه از این ارزش‌ها و مواجهه هوشمندانه با توطئه‌های دشمنان با استفاده از ظرفیت برنامه‌های آموزشی و تربیتی آموزش و پرورش و مشارکت خانواده و سایر نهادها و دستگاه‌ها
			*						*	درک مفاهیم بهداشت فردی و اجتماعی و مسائل زیست بوم طبیعی و شهری به‌منزله امانات الهی، شایستگی حفظ و ارتقای سلامت فردی و بهداشت محیطی و ورزش و تفریحات سالم فردی و گروهی و توجه به نیازهای جسمی و روانی خود و جامعه بر اساس اصول برگرفته از نظام معیار اسلامی

مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی اسلامی (کابوایی، ۱۳۹۱) و ضرب هر یک										گزاره‌های اسناد تحول بنیادین
اجتماعی (۳)	عبادی (۳)	زمان‌شناسی (۱)	دفاعی امنیتی (۱)	علم و تفکر (۲)	سلامت (۲)	خانواده (۲)	مالی (۲)	اخلاق (۳)	باورها (۳)	
				*			*			درک مفاهیم اجتماعی و سیاسی و «احترام به قانون» و اندیشه ورزی در آن‌ها، شایستگی روبرویی مسئولانه و خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول برگرفته از نظام معیار اسلامی
			*	*						تکوین و تعالی هویت مشترک (انسانی، اسلامی و ایرانی) و هویت اختصاصی (مذهبی، قومی، شغلی و جنسیتی) متربیان
							*			حفظ بدن از خطرهای آسیب‌ها و برقراری سلامت به‌عنوان یک تکلیف دینی و الهی مطابق با تأکیدات معصومین علیهم‌السلام
						*				مشارکت و نظارت حق والدین در انجام تکلیف و حق تربیت فرزندان در تمامی سطوح و انواع تربیت به‌ویژه سنین آغازین زندگی
			*	*						تکوین و تعالی جنبه‌های انسانی هویت دانش‌آموزان برای تقویت روابط حق محور، عدالت‌گستر و مهرورزانه با همه انسان‌ها در سراسر جهان
									*	افزایش میزان آگاهی دانش‌آموزان درباره اسلام تا بتوانند بر اساس آن زندگی فردی و اجتماعی خود را بر محور بندگی خدا سامان بدهند
			*	*			*			تقویت اندیشه، ایمان و عمل دینی و برنامه‌ریزی برای دستیابی به معرفت نسبت به برنامه جامع تربیتی انسان

جدول ۲. (ادامه) انطباق گزاره‌های اسناد با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی

مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی اسلامی (کاوپانی، ۱۳۹۱) و ضریب هر یک										گزاره‌های اسناد تحول بنیادین
بورها (۳)	اخلاق (۳)	مالی (۴)	خانواده (۴)	سلامت (۴)	علم و تفکر (۴)	دفاعی امنیتی (۱)	زمان شناسی (۱)	عبادی (۳)	اجتماعی (۳)	
				*					*	دستیابی به مراتبی از حیات طبیعی، آموزش‌های مرتبط با آداب و مهارت‌های زندگی و خانواده به‌عنوان فرصتی برای به‌کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های واقعی زندگی و متناسب با تفاوت‌های فردی و شرایط و مقتضیات محلی
								*		ایجاد سازوکارهای لازم برای تقویت آداب و سبک زندگی اسلامی ایرانی
		*								برنامه درسی باید بهره‌مند از دستاوردها و یافته‌های علمی فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی باشد
						*		*	*	برنامه‌های درسی و تربیتی زمینه‌ساز تربیت نسلی آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت
								*		عمل به آموزه‌های دینی و انجام آگاهانه و مؤمنانه واجبات و ترک محرمات
								*	*	تأکید برنامه درسی همچون نظام تربیت رسمی و عمومی بر هویت مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی
						*	*	*		تعمیق معرفت و ایمان مترقیان و دانش‌آموزان به اعتقادات، اخلاق و احکام الهی که همان معرفت و ایمان به دین اسلام
				*	*				*	جلب مشارکت سازنده و اثربخش خانواده‌ها در حفظ، تعمیق و اشاعه حیا، عفاف و پوشش دانش‌آموزان

مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی اسلامی (کاباتی، ۱۳۹۱) و ضرب هر یک										گزاره‌های اسناد تحول بنیادین
اجتماعی (۳)	عبادی (۳)	زمان‌شناسی (۱)	دفاعی امنیتی (۱)	علم و تفکر (۲)	سلامت (۲)	خانواده (۲)	مالی (۲)	اخلاق (۲)	باورها (۳)	
										افزایش مشارکت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و مدرسه و معلمان و دانش‌آموزان در رشد و تعالی کشور در عرصه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی در سطح محلی و ملی به‌عنوان نهاد مولد سرمایه انسانی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی
				*	*	*	*	*	*	تعهد به ارزش‌های اخلاقی از جمله: صدق، صبر، احسان و رأفت، حسن خلق، حیا، شجاعت، خویشتن‌داری، قدرشناسی، رضا، عدالت، قناعت، نوع‌دوستی و تکریم والدین و معلم در شئون و مناسبات فردی و اجتماعی
*										محتوا متناسب با نیازهای حال و آینده، علایق، ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان، انتظارات جامعه اسلامی و زمان آموزش است
					*					وجود ارتباط و هماهنگی کامل میان عوامل و نهادهای تربیت رسمی و غیررسمی در مرحله اول تربیت (سه ساله اول ابتدایی)
					*					وجود هماهنگی و همسویی رابطه میان خانواده، مدرسه و سایر نهادهای سهیم برای تدارک تجربیات غنی و متنوع فردی و گروهی در داخل و خارج از محیط مدرسه در مرحله دوم تربیت (سه ساله دوم ابتدایی)

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۲ و نیز ارزیابی صاحب‌نظران، گزاره‌های اسناد تحولی در برنامه درسی دوره ابتدایی بیشترین پوشش‌دهی را در بین مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی به مؤلفه اجتماعی با ۶۶/۷ درصد اختصاص داده‌اند. پس از آن به ترتیب مؤلفه عبادی با ۶۳/۳ درصد، مؤلفه اخلاق با ۴۶ درصد، باورها با ۴۰ درصد، خانواده با ۲۰ درصد، علم و تفکر با ۱۳ درصد و سلامت با ۱۱ درصد قرار دارد. همچنین مؤلفه‌های مالی با ۴/۴ درصد، دفاعی امنیتی با ۲/۲ درصد و زمان‌شناسی با ۱/۱ درصد از کمترین پوشش‌دهی برخوردار می‌باشند.

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

به‌طورکلی گزاره‌های اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش، به مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی با جامعیت قابل‌قبولی پرداخته است. این نتیجه با یافته‌های به‌دست‌آمده از مطالعات مهدوی‌کنی (۱۳۸۷) و کاویانی (۱۳۹۰) مبنی بر اینکه سبک زندگی اعم از فردی و اجتماعی و مادی و معنوی است و همه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... را در برمی‌گیرد، هم‌خوانی دارد. دلیل دیگر جامع بودن اسناد در این زمینه، آن است که برخلاف دیدگاه آدلر که سبک زندگی را با رویکرد فردی و نیز برخلاف دیدگاه وبر که آن را با رویکرد اجتماعی مطرح می‌کند بر اساس ارزیابی صاحب‌نظران، در این تحقیق، گزاره‌های اسناد تحول بنیادین در برنامه درسی دوره ابتدایی بیشترین پوشش‌دهی را به ترتیب به مؤلفه اجتماعی با ۶۶/۶ درصد، عبادی با ۶۳/۳ درصد، اخلاقی با ۴۶ درصد و باورها با ۴۰ درصد و خانواده ۲۰ درصد اختصاص داده‌اند. البته کم‌توجهی به سایر گزاره‌های اسناد قابل‌بررسی است. این مطالعه همچنین نشان داد که در تدوین گزاره‌های یادشده، رویکرد اجتماعی و عبادی اساس تدوین آن‌ها بوده است و رفتارهایی مدنظر است که با این رویکرد سازگاری داشته باشد. از سوی دیگر مؤلفه‌های اخلاق و باورها، نگرش‌ها و عواطف نیز در این رویکرد اهمیت اساسی دارد.

مؤلفه باور و نگرش در نگاه اکثر اندیشمندان اسلامی و نیز صاحب‌نظران خارجی مانند روکیچ (۱۹۷۳) از جایگاه خاصی برخوردار است. توجه به عقاید و رفتار یادآور نظریه کاتالات است که معتقد است متغیرهای ذهنی، تعیین‌کننده نوع رفتار است. مهدوی‌کنی (۱۳۸۷) مانند روکیچ (۱۹۷۳) معتقد است «مهم‌ترین ویژگی سبک زندگی اسلامی شکل‌گیری آن حول محور گرایش‌ها و باورهاست»؛ همچنین در طراحی درخت سبک زندگی اعم از اسلامی و غیر اسلامی، نگرش، در جایگاه ساقه و تنه درخت، به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه سبک زندگی مطرح شده است (کاویانی، ۱۳۹۱).

همچنین در پژوهش حاضر کمترین پوشش دهی گزاره‌های اسناد در برنامه درسی دوره ابتدایی به مؤلفه‌های زمان‌شناسی با ۱/۱ درصد و دفاعی امنیتی با ۲/۲ درصد تعلق گرفته است. این نتیجه با سنجش اعتبار مؤلفه‌های ده‌گانه سبک زندگی اسلامی کاپیانی نیز مشابهت داشته است، به طوری که میانگین نمره این مؤلفه‌ها از مابقی مؤلفه‌ها کمتر بوده است (کاپیانی، ۱۳۹۱، ص. ۳۲۵). لازم به ذکر است بعضی از صاحب‌نظران بر روی این نکته که این مؤلفه‌ها به صورت مستقل در کنار دیگر مؤلفه‌ها مطرح شده‌اند، معترض بودند و اعتقاد داشتند که این دو می‌توانند زیرمجموعه دیگر مؤلفه‌ها باشند. این مسئله نیز یکی از دلایل وزن‌دهی و ارزش‌دهی به مؤلفه‌ها در این مطالعه بود.

نتایج مطالعاتی که با معیارهای سبک زندگی غیر اسلامی انجام شده است، با نتایج این مطالعه هم‌خوانی نداشتند که از جمله آن‌ها می‌توان به نتایج تحقیق زارع و فلاح (۱۳۹۱) که مؤلفه لذت‌جویانه بالاترین امتیاز را از بین مؤلفه‌ها به خود اختصاص داده است می‌توان اشاره کرد. تفاوت بین سبک زندگی غربی با سبک زندگی ایرانی و تأکید بر ضرورت استفاده از مؤلفه‌های سبک زندگی ایرانی در تحقیقات دیگران، مانند مطالعه کاپیانی (۱۳۹۱) و صمیم (۱۳۹۳) نیز عنوان شده است. همچنین بعضی از الگوهای سبک زندگی غربی که تأکید کمتری بر مؤلفه‌هایی همچون عبادی، باور و اخلاق داشته‌اند از نظر مبانی با رویکرد دینی کاملاً متفاوت است؛ چراکه در رویکرد دینی و خصوصاً در اسناد تحولی که با این رویکرد تدوین شده است، دستیابی به مراتبی از حیات طیبه (زندگی پاک در دنیا و آخرت) مدنظر است. این نکته در مطالعه شریعتی (۱۳۹۲) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۹۳) در ارتباط بین مؤلفه‌های سبک زندگی و هویت بر اهمیت هویت اجتماعی در این خصوص تأکید داشته است. همان‌طور که در تعریف تربیت در اسناد آمده و در مباحث قبلی نیز بیان گردید، هویت از مؤلفه‌های اساسی تربیت است و در نظام تربیتی جایگاه خاصی دارد. نکته پایانی اینکه رویکرد اسناد تحولی آموزش و پرورش در برنامه درسی دوره ابتدایی «شکوفایی فطرت» است که این مسئله با آنچه در مطالعه خطیبی (۱۳۹۲) آمده، مبنی بر اینکه ریشه سبک زندگی اسلامی در شکوفایی ارزش‌های عقلی و فطری است، نیز مطابقت دارد.

البته این مطالعه نیز آشکار کرد که این اهداف بر شکل‌گیری هویت اجتماعی اما از نوع اسلامی بیشتر تأکید دارد تا تقویت هویت فردی. دلیل این امر نیز احتمالاً به این نظریه برمی‌گردد که سبک زندگی مناسب موجبات رضایت از زندگی و ارتقای

سلامت روانی افراد را بهتر فراهم می‌کند. پژوهش‌های نورمحمدی و صدیقی ارفعی (۱۳۹۰) و کجیاف و همکاران (۱۳۹۰) تأییدی بر این دیدگاه است. از آنجاکه، هدف غائی تربیت در اسناد تحولی «دستیابی به مراتبی از حیات طیبه» است، آماده‌سازی دانش‌آموزان دوره ابتدایی و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در آن‌ها، تضمینی بر زمینه‌سازی لازم برای تحقق این هدف ارزشمند خواهد بود. به نظر می‌رسد ضروری است نتایج این مطالعه در اختیار تدوین‌کنندگان اسناد تحولی قرار گیرد تا تفاوت موجود در توجه به مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی را ملاحظه کنند و چنانچه این تفاوت (میزان پوشش‌دهی به مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی) در اسناد تحولی مورد نظر آن‌ها نبوده است، در بازنگری‌های بعدی اسناد مورد توجه قرار گیرند. از طرفی برای اطمینان از تحقق گزاره‌های مرتبط با سبک زندگی اسلامی و جاری و ساری بودن این اهداف تا سطح کلاس درس و نهادینه‌سازی آن‌ها در دانش‌آموزان این دوره، پیشنهاد می‌گردد ارزشیابی از میزان توجه و پوشش‌دهی به گزاره‌های اسناد تولیدی زیرمجموعه و مراحل بعدی فرایند نظام تربیتی از جمله تدوین برنامه‌های درسی و اهداف این دوره تحصیلی، آماده‌سازی معلمان و غیره، نیز مدنظر باشد.

پیشنهاد دیگری که مخاطب آن متخصصان حوزه سبک زندگی اسلامی هستند اینکه، با توجه به عدم توازن که در توجه به هر یک از مؤلفه‌ها وجود دارد در تعیین ده مؤلفه اصلی سبک زندگی اسلامی و هم‌وزن بودن آن‌ها پژوهش مجددی صورت پذیرد. چراکه مؤلفه زمان‌شناسی و مؤلفه دفاعی امنیتی در برنامه درسی دوره ابتدایی هم‌وزن دیگر مؤلفه‌ها، مثلاً مؤلفه اجتماعی و یا مؤلفه خانواده، نمی‌باشد.

پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اسماعیلی، هادی. (۱۳۹۵). *امت و همبستگی فرهنگی: رویکرد هویت‌گرا*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- باکاک، رابرت. (۱۳۸۸). *جامعه و مصرف* (ترجمه خسرو صبری). تهران: شیراز.
- بشیری، مژگان؛ عزیزاده، حمید و کرمی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی و هنجاریابی پرسش‌نامه شیوه زندگی بر روی جوانان ۱۸ تا ۴ ساله. *پژوهش‌های مشاوره*، ۶(۲۱)، ۶۹-۹۲.
- تقی‌پورظهیر، علی. (۱۳۸۷). *برنامه‌ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره سوم*. تهران: انتشارات آگاه.
- حاجبانی، ابراهیم. (۱۳۸۷). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی. *جامعه‌شناسی*، ۹(۴ و ۳)، ۱۴۳-۱۶۴.
- خطیبی، حسین و ابوالفضل ساجدی. (۱۳۹۲). مروری بر شاخص‌های سبک زندگی اسلامی. *معرفت*، ۱۸۵، ۱۳-۲۵.
- خواجه‌نوری، بیژن، پرنیان، لیلا، همت، صغری. (۱۳۹۳). مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی: مطالعه موردی: جوانان شهر بندرعباس. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۷(۱)، ۶۹-۹۴.
- ردادی، محسن. (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی. *راهبر یاس*، ۱۱(۱۶)، ۱۸۶-۱۹۶.
- زارع، بیژن، مهدی فلاح. (۱۳۹۱). بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن. *تحقیقات فرهنگی*، ۵(۴)، ۱۰۵-۷۵.
- شریعتی، صدرالدین. (۱۳۹۲). درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. *ویژه‌نامه سبک زندگی*، ۴(۱۳)، ۱-۱۰.
- شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). *برنامه درسی ملی*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۵). *مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، با همکاری شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- صمیم، رضا. (۱۳۹۳). نگاهی انتقادی به پیشینه داخلی مطالعات جامعه‌شناختی بر روی سبک زندگی. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۷(۱)، ۱۴۵-۱۶۶.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۲). *العیزان فی تفسیر قرآن* (ترجمه محمدباقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عظیمی، سیدامین و غلامرضا حاجی‌حسین‌نژاد. (۱۳۸۵). آموزش هنر در دوره ابتدایی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات. *همایش نوآوری در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی*، شیراز، دانشگاه شیراز، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران.
- علاقتد، علی. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: نشر روان.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. قم: صبح صادق.
- کاویانی، محمد. (۱۳۹۱). *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کجباب، محمدباقر؛ سجادیان، پریناز؛ کاویانی، محمد و انوری، حسن. (۱۳۹۵). رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی و رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان. *روانشناسی و دین*، ۴(۴)، ۶۱-۷۴.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). *تجدد و تخصص* (ترجمه ناصر موفقیان). تهران: نشر نی.
- مرزوقی، رحمت اله و یحیی صفری. (۱۳۸۵). *بررسی و ارائه الگوی فراساخت برای برنامه درسی دوره ابتدایی*. همایش نوآوری در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی، شیراز، دانشگاه شیراز، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران.
- مرزوقی، رحمت‌الله. (۱۳۸۵). تربیت مدنی از دیدگاه اسلام. *دو فصل‌نامه تربیت اسلامی*، ۱(۱)، ۹۳-۱۰۸.
- معافی، محمود. (۱۳۹۲). *راهنمای معلم تدریس آداب و مهارت‌های زندگی (طرح پژوهشی)*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری.
- معتمدی، عبدالله. (۱۳۹۲). سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی: ارتباط انسان با خود، خداوند، دیگران و طبیعت. فرهنگ مشاوره روان‌درمانی. *ویژه‌نامه سبک زندگی*، ۴(۱۳)، ۱۲۵-۱۴۲.
- مهدوی کنی، محمد سعید. (۱۳۸۷). *دین و سبک زندگی*. تهران: دانشگاه امام صادق.
- موسوی گیلانی، سید رضی. (۱۳۹۲). چرایی سبک زندگی و نسبت آن با دین و مهدویت. *مشرق موعود*، ۷(۲۵)، ۱۲۳-۱۳۸.

بررسی سبک زندگی اسلامی در برنامه درسی دوره ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش

- نبوی، عبدالحسین، حسین زاده، علی حسین، حسینی، هاجر. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت قومی بر اساس امنیت اجتماعی. دانش انتظامی، ۱ (۳۹)، ۹-۳۶.
- نورمحمدی نجف‌آبادی، محمد و صدیقی ارفعی، فریبرز. (۱۳۹۰). بررسی نقش سبک زندگی اسلامی و تأثیر آن بر بهداشت روان انسان. کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
- Cathelat, B. (1990). *Socio-styles-système: les" styles de vie": théorie, méthodes, applications*. Paris: Ed. d'organisation.
- European Centre for the Development of Vocational Training (Cedefop). (2012). *Curriculum reform in Europe, The impact of learning outcomes*. Luxembourg: Publications Office of the European Union.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. Stanford University Press.
- Giuffré, K. & DiGeronimo, T. F. (1999). *The Care and Feeding of Your Brain: How Diet and Environment Affect what You Think and Feel*. Franklin Lakes, N.J.: Career Press Inc.
- Jenkins, R. (1983). *Lads, citizens, and ordinary kids: Working-class youth life-styles in Belfast*. London: Routledge & Kegan Paul.
- Lynn, R., Kahle, E., & Gurel-Atay, E. (2014). *Communicating sustainability for the green economy*. New York: ME Sharpe.
- Richards, J. C. (2013). Curriculum approaches in language teaching: forward, central and backward design. *RELC Journal*, 44(1), 5-33.
- Rokeach, M. (1973). *The nature of human values* (Vol. 438). New York: Free press.
- Simmel, G. (1971). *Sociability*. In Donald N. Levine (ed), *Georg Simmel On individuality and social forms* (43-69). University of Chicago Press.
- Wells, W. D. (1975). Psychographics: A critical review. *Journal of Marketing Research*, 12, 209-229.
- Wells, W. D. (Ed.). (2011). *Life style and psychographics*. Marketing Classics Press.
- Yankelovich, D. (1964). New criteria for market segmentation. *Harvard Business Review*, 42(2), 83-90.

پی‌نوشت‌ها

۱. سوره حجرات، آیه سیزدهم

2. Life style
3. Adler
4. Georg Simmel
5. Bourdieu
6. Giuffré & DiGeronimo
7. European Centre for the Development of Vocational Training
8. Richards
9. Rokeach
10. Lynn, Kahle & Atay
11. Yankelovich
12. Wells
13. Cathelat
14. Giddens
15. Jenkins